

## سبک زندگی؛ ریشه‌ها و راهکارها

حجت الاسلام و المسلمین محمدتقی فعالی  
پژوهشگر، استاد حوزه و دانشگاه

اشاره

حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی فعالی در سال 1341 در تهران متولد شدند. ایشان پس از طی تحصیلات متوسطه، در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شده و با گذراندن دوره سطح، به مدت 15 سال، از دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات جوادی آملی، مصباح یزدی، وحید خراسانی، بهجت، تبریزی و مکارم شیرازی بهره مند گردید. اخذ مدرک دکترای فلسفه و دکترای عرفان، عضویت در هیئت علمی و تدریس در دانشگاه های متعدد کشور، تألیف 35 جلد کتاب و 130 مقاله در حوزه های منطق، معرفت شناسی دینی و معاصر، فلسفه، عرفان اسلامی و عرفان های نوظهور و مسائل مختلف دین شناسی و فلسفه دین، از جمله فعالیت های علمی ایشان محسوب می شود.

مفهوم سبک زندگی (Lifestyle) از جمله مفاهیم جدیدی است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان رفتارشناسی انسان ها بیان می کنند. دامنه به کارگیری این مفهوم تا بدان حد رواج یافته که امروزه جانشین بسیاری از مفاهیم و واژگان سنتی شده است. اصطلاح سبک زندگی پیوند نزدیکی با مجموعه ای از مفاهیم نظیر فرهنگ، جامعه، ذهن، رفتار، معنا، شخصیت، محیط، وراثت، نیاز، سلیقه، مُد، منزلت و سنت دارد. مفهوم سبک زندگی از یکسو جزئی ترین رویداد مربوط به حیات بشر را شامل می شود و از سوی دیگر تا اعماق وجود آدمی را در برمی گیرد، لذا هم شامل است و هم عمیق.

مسئله سبک زندگی در خلال دهه هشتاد میلادی در حوزه علوم اجتماعی و نظریه های جامعه شناسی مطرح شد. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی در این زمینه بیان عقیده نموده اند. «گیدنز» اظهار می دارد که سبک زندگی را می توان به مجموعه ای نسبتاً جامع از عملکردهایی تعبیر کرد که فرد آن را بکار می گیرد؛ زیرا که رفتارهای فرد نه تنها بیان گر نیازهای اوست بلکه روایت خاصی از اندیشه و هویت شخصی او دارد. «رایزن» بر این اعتقاد است که فرد در گذشته کمتر حق انتخاب داشت و عملاً گزینشی در فرهنگ سنتی وجود نداشت. این سنت و رسوم گذشته بود که برنامه های از پیش تعیین شده را بر افراد تحمیل می کرد و در اجرا، نوعی جبر پنهان وجود داشت؛ اما با گذشت زمان و گذشتن از «دوران درون راهبر»، وارد «دوران دگرراهبر» شده ایم و در این مقطع دیگران یعنی وسایل ارتباط جمعی سعی دارند مخاطب را آگاه ساخته حق انتخاب او را شکوفا کنند و از این طریق تغییرات در جهان مدرن با سرعت و به صورت شگفت انگیزی در جریان است. «لیزر» سبک زندگی را از جنس رفتار دانسته ارزش ها و نگرش ها را از دایره این مفهوم بیرون قرار می دهد. از دیدگاه «چینی» سبک زندگی، سازمان اجتماعی مصرف است که راه الگومند مصرف یا ارج نهادن به فرهنگ مادی را بیان می کند.

سبک زندگی وابسته به انتخاب و انتخاب نیز وابسته به اطلاعات است. اطلاعات محصولی از فرایند ارتباطات است. ارتباطات می تواند میان فردی یا رسانه ای باشد. رابطه رسانه ها و سبک زندگی، چرخه ای به هم پیوسته و متقابل است. رسانه ها سبک های جدید حیات را پیش روی انسان قرار می دهند و انسان ها با خواسته ها و نیازهای جدید سبک های جدید را آشکار می سازند. رسانه ها از طریق بمباران اطلاعات، فرهنگ مصرف گرا و مصرف فرهنگ را برجسته ساخته حوزه فرهنگ را فربه می کنند. امروزه رادیو، تلویزیون، ماهواره، موزه، سایت، وبلاگ، تالار گفتگو و ده ها نوع دیگر محصولات فرهنگی، فضائی را فراهم آورده اند که همه پیرامون آن ها می نشینند و بخش مهمی از عمر خویش را به آن ها اختصاص می دهند و از این طریق سبک زندگی تا عمیق ترین لایه های خانواده ها نفوذ می کند.

امروزه الگوهای متنوعی برای سبک زندگی وجود دارد؛ سبک زندگی دخترانه یا پسرانه، سبک زندگی روستایی یا شهری، سبک زندگی سنتی یا مدرن، سبک زندگی مصرف گرایانه یا تولیدی، سبک زندگی زاهدانه یا عاشقانه، سبک زندگی فردمحور یا جمعی، سبک زندگی ایرانی یا عربی یا غربی یا شرقی، سبک زندگی بالاشهر یا پایین شهر، سبک زندگی خشونت مدار یا عاطفی، سبک زندگی فمینیستی، سبک زندگی سیاسی، سبک زندگی پلیسی، سبک زندگی طبقاتی، سبک زندگی رفاه طلب، سبک زندگی جهان وطنانه، سبک زندگی بسیجی، سبک زندگی توده وار، سبک زندگی قوم گروانه، سبک زندگی مدگرا، سبک زندگی شیطانی، سبک زندگی ریسک پذیر، سبک زندگی مهاجران، سبک زندگی قدرت گرا، سبک زندگی در اوقات فراغت، سبک زندگی ارزش مدار و سبک زندگی توحیدی.

سبک زندگی در حوزه ها و محدوده های وسیعی نفوذ می کند؛ شاخص های شناختی، مدیریت تصمیم گیری، اخلاق اجتماعی، معاشرت، پوشش، آرایش، مُد، غذا و تغذیه، آشپزی، معماری، دکوراسیون داخلی، طراحی صنعتی، تفریح و گردش، استفاده از جواهرات، تندرستی، ارتباطات گفتاری، محیط زیست، کسب و کار، روابط زناشویی، شغل، سخن گفتن، گذراندن اوقات فراغت، الگوی مصرف، سبک راه رفتن و مدیریت احساسات.

در عصر جدید بخش قابل توجهی از مطالعات درباره تکنیک های زیستن به نقش دین در مفهوم سبک زندگی بازمی گردد. یکی از مهم ترین ابعاد مفهوم سبک زندگی این است که دین می تواند به عنوان نیروی برتر، نقش حیاتی در الگوی حیات و نحوه زیستن آدمیان بر روی زمین ایفا کند. دین به عنوان نظامی از باورها، ارزش ها و رفتارها می تواند آدمی را برای دست یابی به سبکی الهی در زندگی مدد دهد.

دین مسیحیت به دلیل انحرافات متعدد و کاستی های فراوان هرگز نتوانسته است الگویی جامع و عمیق جهت نحوه زیستن انسان ارائه دهد. در این میان، اسلام جایگاه ویژه ای دارد. بر اساس معارف عمیق اسلامی که ریشه در آیات قرآن، احادیث معتبر، مفاهیم مربوط به ادعیه و سیره بزرگان دارد می توان الگویی برای سبک زندگی در این جهان تعریف نمود به گونه ای که آدمی را آماده ورود به زندگی ابدی و زیستن بی پایان کند. مفاهیم مربوط به سبک زندگی در منابع اسلامی بسیار فراوان بوده اما به ندرت استخراج شده است.

در حال حاضر بشر با «بیمارهای سبک زندگی جدید» مواجه است؛ اما قرآن کریم پدید آمدن مشکلات و گرفتاری های بشر را راهی برای بازگرداندن او به طریق صواب می داند. بر اساس تعالیم الهی عملکرد نادرست بشر موجب پیدایش رنج ها، نابسامانی ها و ناهنجاری ها برای او شده است. شعار اساسی دین و قرآن این است که آدمی با عمل خویش بذری می کارد تا در زمان دیگر کاشت خویش را برداشت کند. گرفتاری ها و آلام انسانی چیزی جز ظلم ها و فسادهای او نیست. قرآن این اصل را به ما یاد داده است: یا خودمان جلو اشتباهاتمان را بگیریم یا اشتباهاتمان جلو ما را خواهند گرفت. تنها راه نجات، بازگشت به قانون خداست. بیان نکته ای شایان ذکر است:

پرداختن به مباحث سبک زندگی به سه شکل امکان پذیر است؛ روش اول این که تمامی مباحث مربوط به این دو حوزه را همان گونه که در جهان غرب رخ داده است از طریق ترجمه، برگزاری کارگاه و تألیف کتاب به کشور منتقل کنیم و به مخاطبین مسلمان که دارای باورهای قرآنی و اسلامی هستند عرضه بنماییم. عکس العمل مخاطب از دو حالت بیرون نیست؛ اگر آن ها را پذیرا شود این امر به معنای ایجاد تغییر در نگرش ها، بینش ها و باورهای اوست. براین اساس خواسته امپراطوری فرهنگی غرب تأمین شده است؛ اما اگر عکس العمل مخاطب به حد پذیرش نرسید، لااقل عرضه این گونه افکار در وی ایجاد تضاد درونی کرده است و این امر به معنای توسعه ناامنی ایمانی در جامعه می باشد.

روش دوم این که این گونه مباحث آنگاه که به ایران می رسد با چند آیه و حدیث همراه گردد و به تعبیری سبک زندگی غربی، بومی و اسلامیزه گردد. هدف کسانی که این گونه آمیزش ها و التقاط های نامبارک را انجام می دهند یافتن گوش های بیشتر در میان مخاطبین مسلمان است تا از این طریق بازار کسب و کار خویش را رونق بخشند و اگر تکنیک های کسب ثروت را آموزش می دهد در واقع از این طریق سود سرشار نصیب خود کنند. پیداست که این شیوه به جز آسیب پیش گفته، نوعی خیانت تلقی می شود؛ زیرا از یکسو دو امر ناسازگار را کنار هم نشانده ایم تا به دروغ نشان دهیم آن دو سازگارند و از سوی دیگر موجب سوءبرداشت از کلام خدا شده ایم و از طرف سوم کتاب خدا را وسیله ای برای ارتزاق در دنیا قرار داده ایم.

شیوه سوم این است که اولاً آیات و احادیث مبنای اصلی قرار گیرند، ثانیاً درصدد باشیم دیدگاه دین را در باب مسائلی که امروز در حوزه سبک زندگی و نیز موفقیت مطرح است جویا گردیم، به تعبیری مسائل را به دین عرضه نماییم نه این که بر آن تحمیل کنیم، ثالثاً هر آنچه که از متن دین برآمد را پایبند و ملتزم باشیم و رابعاً در عرضه مباحث از ادبیات جدید نظیر داستان، کلمات قصار و شعر استفاده کنیم. به بیان دیگر میان «مبنا» و «روش» تفکیک قائل شویم یعنی مبنای استنباط و استخراج دیدگاه ها، آیات و احادیث باشد اما در روش عرضه از شیوه های جذاب بهره گیریم. پس روش اول «غربی»، شیوه دوم «التقاطی» و اسلوب سوم «دینی» می باشد؛ زیرا تنها با نگاه سوم، سبک زندگی دینی و توحیدی در اختیار ما است.